Comparative Studies in Jurisprudence, Law, and Politics

The Right to Effective Access to Legal Counsel During Preliminary Investigations: A Jurisprudential, Legal, and Comparative Analysis of the Capacities and Limitations of Iran's 2013 Code of Criminal Procedure

1. Hossein Bakhtiari: PhD Student in Criminal Law and Criminology, La.C., Islamic Azad University, Lahijan, Iran
2. Atefe Lorkojuri*: Department of Criminal Law and Criminology, La.C., Islamic Azad University, Lahijan, Iran. Email: Atefeh.lorkojuri@iau.ac.ir (Corresponding Author)
3. Tayebeh Ghodrati Siahmazgi: Department of Criminal Law and Criminology, La.C., Islamic Azad University, Lahijan, Iran
4. Ali Jabbar Golbaghi Masouleh: Department of Criminal Law and Criminology, La.C., Islamic Azad University, Lahijan, Iran

ABSTRACT

The right to effective access to legal counsel during preliminary investigations is one of the most important guarantees of a fair trial and a fundamental mechanism for protecting the defense rights of accused persons against the authority of investigative and prosecutorial bodies. The significance of this right is particularly evident because a substantial portion of the evidence, statements, and procedural decisions affecting the accused is formed during the preliminary stage. Using a descriptive-analytical method and a jurisprudential, legal, and comparative approach, this study examines the capacities and limitations of Iran's 2013 Code of Criminal Procedure in guaranteeing effective access to legal counsel. The findings indicate that the Code has taken significant steps toward strengthening fair trial guarantees by recognizing the right to counsel during preliminary investigations, paying greater attention to the rights of persons in custody, requiring notification of defense rights, and providing for the presence of legal counsel. Nevertheless, full realization of this right continues to face important challenges, including restrictions on the choice of counsel in certain categories of offenses, limitations on access to case files and essential information, ambiguity regarding the scope of lawyers' participation during questioning, weaknesses in the confidentiality of lawyer–client communications, deficiencies in court-appointed representation, and insufficient remedies for violations of the right to counsel. The jurisprudential analysis further demonstrates that principles such as justice, prohibition of oppression, caution in criminal matters, protection of human dignity, and the legitimacy of legal agency provide a normative foundation for a broader interpretation of this right. The study concludes that moving from a formal "right to have a lawyer" to "effective access to legal counsel" requires reform of existing restrictions, early access to counsel, protection of confidentiality, reinforcement of professional independence, and effective legal remedies.

Keywords: *Right to Counsel, Preliminary Investigations, Fair Trial, Defense Rights of the Accused, Iran's 2013 Code of Criminal Procedure, Independence of Lawyers*

How to cite: Bakhtiari, H., Lorkojuri, A., Ghodrati Siahmazgi, T., & Golbaghi Masouleh, A. J. (2027). The Right to Effective Access to Legal Counsel During Preliminary Investigations: A Jurisprudential, Legal, and Comparative Analysis of the Capacities and Limitations of Iran's 2013 Code of Criminal Procedure. *Comparative Studies in Jurisprudence, Law, and Politics*, *9*(5), 1-19.

© 2027 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 04 May 2026
Revise Date: 24 September 2026
Accept Date: 01 October 2026
Initial Publish Date: 10 October 2026
Final Publish Date: 22 December 2027

پژوهش‌های تطبیقی فقه،
حقوق و سیاست

حق دسترسی مؤثر به وکیل در تحقیقات مقدماتی؛ تحلیل فقهی، حقوقی و تطبیقی ظرفیت‌ها و محدودیت‌های قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲

۱. حسین بختیاری: دانشجوی دکتری، گروه حقوق کیفری و جرم شناسی، واحد لاهیجان، دانشگاه آزاد اسلامی، لاهیجان، ایران
۲. عاطفه لرکجوری*: گروه حقوق کیفری و جرم شناسی، واحد لاهیجان، دانشگاه آزاد اسلامی، لاهیجان، ایران.
پست الکترونیک: Atefeh.lorkojuri@iau.ac.ir (نویسنده مسئول)
۳. طیبه قدرتی سیاهمزگی: گروه حقوق کیفری و جرم شناسی، واحد لاهیجان، دانشگاه آزاد اسلامی، لاهیجان، ایران
۴. علی جبار گلباغی ماسوله: گروه حقوق کیفری و جرم شناسی، واحد لاهیجان، دانشگاه آزاد اسلامی، لاهیجان، ایران

چکیده

حق دسترسی مؤثر به وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی از مهم‌ترین تضمین‌های دادرسی منصفانه و از ابزارهای اساسی حمایت از حقوق دفاعی متهم در برابر اقتدار نهادهای تعقیب و تحقیق است. اهمیت این حق از آن جهت مضاعف می‌شود که بخش مهمی از ادله، اظهارات و تصمیمات اثرگذار بر سرنوشت کیفری متهم در همین مرحله شکل می‌گیرد. پژوهش حاضر با روش توصیفی ـ تحلیلی و با رویکرد فقهی، حقوقی و تطبیقی، ظرفیت‌ها و محدودیت‌های قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ را در زمینه تضمین دسترسی مؤثر متهم به وکیل بررسی می‌کند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که قانون مذکور با شناسایی حق برخورداری از وکیل در تحقیقات مقدماتی، توجه به حقوق اشخاص تحت‌نظر، الزام به اطلاع‌رسانی درباره حقوق دفاعی و پیش‌بینی امکان حضور وکیل، گام مهمی در جهت تقویت دادرسی منصفانه برداشته است. با این حال، تحقق کامل این حق با چالش‌هایی نظیر محدودیت در انتخاب وکیل در برخی جرایم، محدودیت دسترسی به پرونده و اطلاعات ضروری، ابهام در دامنه مداخله وکیل در بازجویی، کاستی‌های مربوط به محرمانگی ارتباط وکیل و موکل، ضعف در کارآمدی وکالت تسخیری و فقدان ضمانت اجراهای کافی در برابر نقض حق دسترسی به وکیل مواجه است. بررسی فقهی نیز نشان می‌دهد که اصولی مانند عدالت، منع ظلم، احتیاط در امور کیفری، حفظ کرامت انسانی و مشروعیت نهاد وکالت می‌توانند پشتوانه‌ای برای تفسیر موسع این حق فراهم سازند. نتیجه پژوهش آن است که گذار از «حق داشتن وکیل» به «دسترسی مؤثر به وکیل» مستلزم اصلاح محدودیت‌های موجود، تضمین دسترسی زودهنگام، حفظ محرمانگی، تقویت استقلال وکیل و پیش‌بینی ضمانت اجراهای مؤثر است.

واژگان کلیدی: *حق دسترسی به وکیل، تحقیقات مقدماتی، دادرسی منصفانه، حقوق دفاعی متهم، قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، استقلال وکیل*

نحوه استناددهی: بختیاری، حسین.، لرکجوری، عاطفه.، قدرتی سیاهمزگی، طیبه.، و گلباغی ماسوله، علی جبار. (۱۴۰۶). حق دسترسی مؤثر به وکیل در تحقیقات مقدماتی؛ تحلیل فقهی، حقوقی و تطبیقی ظرفیت‌ها و محدودیت‌های قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲. *پژوهش‌های تطبیقی فقه، حقوق و سیاست*، ۹(۵)، ۱۹-۱.

© ۱۴۰۶ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به‌صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۱۴ اردیبهشت ۱۴۰۵
تاریخ بازنگری: ۲ مهر ۱۴۰۵
تاریخ پذیرش: ۹ مهر ۱۴۰۵
تاریخ چاپ اولیه: ۱۸ مهر ۱۴۰۵
تاریخ چاپ نهایی: ۱ دی ۱۴۰۶

مقدمه

حق برخورداری از وکیل در فرایند کیفری از بنیادی‌ترین تضمین‌های دادرسی منصفانه و از مهم‌ترین ابزارهای حفظ تعادل میان اقتدار عمومی دولت در تعقیب جرم و حقوق و آزادی‌های فردی متهم به شمار می‌آید. اهمیت این حق زمانی برجسته‌تر می‌شود که شخص در نخستین مراحل مواجهه با دستگاه عدالت کیفری، یعنی مرحله تحت‌نظر، بازجویی و تحقیقات مقدماتی، قرار می‌گیرد؛ مرحله‌ای که معمولاً بیشترین نابرابری میان متهم و نهادهای عمومی تعقیب و تحقیق در آن مشاهده می‌شود. متهم در این مرحله، برخلاف مقام قضایی یا ضابطان دادگستری، غالباً از دانش حقوقی، آگاهی نسبت به حدود اختیارات مأموران، آثار حقوقی اظهارات خود و شیوه‌های دفاع از حقوق خویش برخوردار نیست و همین وضعیت ممکن است موجب شود که وی بدون آگاهی کافی از آثار رفتار یا سخنان خود، تصمیماتی اتخاذ کند که در مراحل بعدی دادرسی آثار تعیین‌کننده‌ای بر وضعیت حقوقی او داشته باشد. از این منظر، حضور وکیل نباید صرفاً به‌عنوان امتیازی تشریفاتی یا امکان بهره‌گیری از نماینده حقوقی تلقی شود، بلکه باید آن را سازوکاری برای تحقق واقعی حق دفاع دانست؛ زیرا وکیل می‌تواند فاصله اطلاعاتی و حقوقی میان متهم و مقام تعقیب را کاهش دهد، از اعمال فشارهای نامشروع جلوگیری کند، نسبت به رعایت تشریفات قانونی نظارت داشته باشد و امکان استفاده آگاهانه متهم از حقوق دفاعی خود را فراهم آورد (Hashemi, 2024). در ادبیات دادرسی منصفانه نیز حق دفاع مؤثر با اصل برخورداری از کمک حقوقی ارتباط مستقیم دارد و نمی‌توان از دادرسی منصفانه سخن گفت، در حالی که شخص در حساس‌ترین مرحله فرایند کیفری از دسترسی واقعی به مشاوره و حمایت حرفه‌ای محروم باشد (Hariri, 2024).

در حقوق کیفری معاصر، میان «حق داشتن وکیل» و «حق دسترسی مؤثر به وکیل» تفاوت مهمی وجود دارد. ممکن است قانون به‌طور صوری اعلام کند که متهم حق انتخاب وکیل دارد، اما اگر این حق با تأخیر اعمال شود، اگر تماس متهم با وکیل محدود یا تحت نظارت باشد، اگر وکیل امکان حضور واقعی در جلسات تحقیق را نداشته باشد، اگر دسترسی او به اطلاعات ضروری پرونده محدود شود یا اگر امکان مداخله حرفه‌ای و ارائه دفاع مؤثر از او سلب گردد، در چنین شرایطی نمی‌توان از تحقق کامل حق دسترسی به وکیل سخن گفت. آنچه در مفهوم دسترسی مؤثر اهمیت دارد، امکان بهره‌مندی واقعی، به‌موقع و معنادار متهم از کمک حقوقی است، نه صرف درج یک حق در متن قانون. برخی تحلیل‌های حقوقی در ایران نیز بر این نکته تأکید کرده‌اند که حضور وکیل در تحقیقات مقدماتی باید از سطح یک مجوز قانونی فراتر رود و به یکی از عناصر ساختاری حق دفاع تبدیل شود (Mohseni, 2021). به همین دلیل، ارزیابی مقررات قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ تنها با بررسی این پرسش که آیا متهم اصولاً حق داشتن وکیل دارد یا خیر، کافی نیست؛ بلکه باید بررسی شود که این حق در چه زمانی، با چه دامنه‌ای، تحت چه شرایطی، با چه محدودیت‌هایی و همراه با چه ضمانت اجراهایی قابل اعمال است.

مرحله تحقیقات مقدماتی از منظر حقوق دفاعی دارای ویژگی‌هایی است که آن را از مرحله رسیدگی در دادگاه متمایز می‌سازد. در این مرحله، تحقیقات ممکن است با سرعت، محرمانگی و تمرکز بر جمع‌آوری ادله صورت گیرد و مقام تحقیق از اختیارات گسترده‌ای در زمینه احضار، جلب، بازجویی، صدور قرارهای تأمین و دسترسی به اطلاعات برخوردار باشد. متهم نیز ممکن است برای نخستین بار در معرض یک وضعیت رسمی اتهامی قرار گیرد و از ابعاد پرونده و دلایل موجود علیه خود آگاهی کاملی نداشته باشد. به همین علت، محدودکردن حق دفاع در این مرحله می‌تواند آثاری ایجاد کند که در مراحل بعدی به‌سادگی قابل جبران نباشد. اعتراف، اقرار، ارائه توضیحات نادرست، عدم اعتراض به اقدامات غیرقانونی یا ناتوانی در درخواست اقدامات تحقیقی به نفع متهم، همگی ممکن است ناشی از فقدان مشاوره تخصصی در همان مراحل نخستین باشند. اکبریان در تحلیل جایگاه وکالت در آیین دادرسی کیفری ایران، حضور وکیل را یکی از ابزارهای ضروری برای جلوگیری از

یک‌جانبه‌شدن فرایند تحقیق دانسته است (Akbarian, 2014). همچنین حق برخورداری از وکیل می‌تواند از تبدیل مرحله تحقیقات مقدماتی به فضایی صرفاً اتهام‌محور جلوگیری کند و تضمین نماید که ادله برائت یا جهات تخفیف نیز مورد توجه قرار گیرد.

ضرورت برخورداری متهم از کمک وکیل همچنین از پیوند میان حق دفاع، کرامت انسانی و اصل برائت ناشی می‌شود. اصل برائت اقتضا می‌کند که شخص تا زمانی که جرم او در یک فرایند قانونی و عادلانه اثبات نشده است، به‌عنوان مجرم تلقی نشود. اگر متهم در شرایطی قرار گیرد که نتواند از حقوق خود آگاه شود یا در برابر اقدامات اتهامی از حمایت حقوقی برخوردار باشد، اصل برائت در سطح عملی تضعیف خواهد شد. صالحی، حق دفاع را مجموعه‌ای از تضمین‌های مرتبط می‌داند که از اطلاع از اتهام تا امکان استفاده از وکیل و ارائه دفاع را دربرمی‌گیرد (Salehi, 2023). در این چارچوب، وکیل تنها نماینده متهم نیست، بلکه یکی از عناصر تضمین‌کننده صحت و مشروعیت فرایند کیفری نیز محسوب می‌شود. حضور او می‌تواند به افزایش کیفیت تحقیقات، کاهش احتمال نقض حقوق متهم و افزایش اعتماد عمومی به نظام عدالت کیفری منجر شود. از این منظر، حق دسترسی به وکیل نه صرفاً یک حق فردی، بلکه دارای کارکرد نهادی و عمومی نیز هست.

در نظام حقوقی ایران، حق برخورداری از وکیل ریشه در اصول قانون اساسی، قواعد آیین دادرسی کیفری، مبانی فقهی و اصول عام دادرسی منصفانه دارد. اصل سی‌وپنجم قانون اساسی حق انتخاب وکیل را برای طرفین دعوا به رسمیت شناخته و در صورت ناتوانی افراد، ضرورت فراهم‌کردن امکان تعیین وکیل را مورد تأکید قرار داده است. اگرچه این اصل بیشتر در قالب رسیدگی‌های قضایی بیان شده، تفسیر هدف‌محور از آن اقتضا می‌کند که حق وکیل به مراحل اولیه دادرسی کیفری نیز تسری یابد؛ زیرا کارکرد واقعی دفاع از همان زمان نخستین مواجهه متهم با نظام کیفری آغاز می‌شود. رستمی نیز جایگاه وکیل را در پیوند با تعهدات حقوق بشری و استانداردهای دادرسی عادلانه تحلیل کرده و محدودسازی غیرضروری دسترسی به وکیل را با منطق حمایت از حقوق متهم ناسازگار دانسته است (Rostami, 2021). از سوی دیگر، تجربه قانون‌گذاری کیفری در ایران نشان می‌دهد که نگرش نسبت به نقش وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی به‌تدریج از یک رویکرد محدودکننده به سمت شناسایی گسترده‌تر حق دفاع حرکت کرده است، هرچند این تحول همچنان با استثناها و محدودیت‌های مهمی مواجه است.

قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در مقایسه با مقررات پیشین، گام‌هایی در جهت تقویت حقوق متهم در تحقیقات مقدماتی برداشت. از مهم‌ترین این تحولات می‌توان به تأکید بر حق آگاهی متهم از موضوع اتهام، لزوم رعایت حقوق شهروندی، امکان برخورداری از وکیل در مرحله تحت‌نظر و حضور وکیل در فرایند تحقیق اشاره کرد. ساغیان این قانون را از منظر تقویت حقوق و آزادی‌های متهم در تحقیقات مقدماتی واجد پیشرفت‌هایی نسبت به گذشته دانسته است (Saghian, 2013). با این حال، تصویب مقرراتی که در برخی پرونده‌ها انتخاب وکیل را محدود می‌کند، همچنین امکان محدودیت دسترسی وکیل به پرونده در موارد خاص، این پرسش را مطرح کرده است که آیا ساختار موجود واقعاً توانسته مفهوم «دسترسی مؤثر» را محقق سازد یا صرفاً سطحی از دسترسی کنترل‌شده و محدود را به رسمیت شناخته است.

یکی از مهم‌ترین نقاط مناقشه در این زمینه، تبصره ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری است که در برخی جرایم، به‌ویژه جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی و جرایم سازمان‌یافته‌ای که مشمول مقررات خاص هستند، آزادی متهم در انتخاب وکیل را با محدودیت مواجه ساخته است. از دیدگاه حقوق دفاعی، حق انتخاب وکیل بخش مهمی از رابطه اعتماد میان وکیل و موکل است و هرگونه مداخله در این انتخاب باید بر مبنای ضرورت، تناسب و ضوابط روشن صورت گیرد. استقلال وکیل نیز با کیفیت دفاع ارتباط مستقیم دارد؛ زیرا وکیل زمانی قادر به ایفای نقش واقعی خود است که نسبت به نهاد تعقیب، تحقیق و سایر ساختارهای قدرت استقلال حرفه‌ای داشته باشد (Karimi, 2022). از همین

رو، محدودسازی دامنه انتخاب وکیل تنها مسئله‌ای مربوط به آزادی انتخاب نیست، بلکه ممکن است بر اعتماد متهم، محرمانگی روابط دفاعی و کارآمدی دفاع نیز اثرگذار باشد.

در کنار مبانی حقوقی، تحلیل فقهی نیز برای بررسی این موضوع اهمیت ویژه‌ای دارد. فقه امامیه اگرچه مفهوم مدرن «حق دسترسی به وکیل در تحقیقات مقدماتی» را با ادبیات امروزی مطرح نکرده است، اما اصول و قواعد متعددی در آن وجود دارد که می‌توانند مبنای مشروعیت دفاع، نمایندگی، منع ظلم، رعایت احتیاط در جان و آبروی اشخاص و ضرورت جلوگیری از تضییع حقوق قرار گیرند. نهاد وکالت در فقه اسلامی نهادی شناخته‌شده است و اصل جواز نیابت در امور قابل نیابت، امکان بهره‌گیری از متخصص برای استیفای حق را فراهم می‌کند. علاوه بر این، قواعدی مانند منع اضرار، حرمت ظلم، لزوم رعایت عدالت و احتیاط در امور کیفری، می‌توانند از ضرورت حمایت از حقوق شخص متهم پشتیبانی کنند. حسنی نیز ارتباط وکالت با دادرسی عادلانه را در چارچوب ضرورت حفظ حقوق اشخاص و موازنه میان قدرت عمومی و حق دفاع تبیین کرده است (Hassani, 2015). بنابراین، بررسی حق دسترسی مؤثر به وکیل در نظام ایران باید در یک چارچوب تلفیقی صورت گیرد که هم اصول فقهی و داخلی و هم معیارهای معاصر دادرسی منصفانه را در نظر بگیرد.

مسئله اصلی این پژوهش آن است که قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ تا چه میزان توانسته است حق دسترسی مؤثر متهم به وکیل در تحقیقات مقدماتی را به‌عنوان یک حق واقعی، قابل اعمال و برخوردار از ضمانت اجرا تضمین کند و مهم‌ترین ظرفیت‌ها و محدودیت‌های آن کدام‌اند. در این راستا، بررسی مبانی فقهی و حقوقی این حق، تحلیل مقررات ناظر بر حضور وکیل در مرحله تحقیقات، ارزیابی محدودیت‌های انتخاب وکیل و دسترسی به اطلاعات پرونده و مقایسه ساختار داخلی با الزامات کلی دادرسی منصفانه مورد توجه قرار می‌گیرد. هدف این پژوهش ارائه ارزیابی منسجمی از فاصله میان شناسایی قانونی حق وکیل و تحقق عملی مفهوم دسترسی مؤثر است و تلاش می‌شود بر اساس این تحلیل، زمینه‌های اصلاح تقنینی و رویه‌ای مشخص شود. روش تحقیق توصیفی ـ تحلیلی و مبتنی بر مطالعه منابع حقوقی و فقهی است و در بخش تطبیقی، اصول و معیارهای پذیرفته‌شده در زمینه حق دفاع و دسترسی به کمک حقوقی به‌عنوان مبنای مقایسه مورد استفاده قرار می‌گیرد.

مبانی فقهی و حقوقی حق دسترسی مؤثر به وکیل در تحقیقات مقدماتی

تحلیل حق دسترسی مؤثر به وکیل بدون تبیین مفهوم «دفاع مؤثر» امکان‌پذیر نیست. دفاع در فرایند کیفری تنها به معنای انکار اتهام یا ارائه استدلال در دادگاه نیست، بلکه مجموعه‌ای از فرصت‌ها و تضمین‌هایی است که باید از نخستین لحظه قرار گرفتن شخص در مظان اتهام در اختیار او قرار گیرد. متهم باید بداند چه اتهامی علیه او مطرح شده است، چه حقوقی دارد، آیا ملزم به پاسخ‌گویی است یا می‌تواند سکوت کند، چه آثاری بر اظهارات او مترتب می‌شود و چگونه می‌تواند به اقدامات مقام تحقیق اعتراض کند. وکیل در این میان نقش واسط میان زبان تخصصی نظام حقوقی و موقعیت عملی متهم را ایفا می‌کند. ناصری بر این نکته تأکید می‌کند که حقوق دفاعی زمانی معنا پیدا می‌کند که شخص امکان استفاده آگاهانه و عملی از آن‌ها را داشته باشد (Nasiri, 2016). بنابراین، وجود یک حق قانونی بدون فراهم بودن ابزار اعمال آن، نمی‌تواند پاسخگوی الزامات دادرسی عادلانه باشد.

مفهوم دسترسی مؤثر به وکیل را می‌توان بر چند عنصر اساسی استوار دانست: دسترسی زودهنگام، امکان انتخاب آزادانه وکیل، محرمانگی ارتباط میان وکیل و موکل، امکان حضور وکیل در اقدامات مهم تحقیق، برخورداری از زمان و اطلاعات کافی برای دفاع و فقدان موانع غیرضروری در ارتباط حرفه‌ای. اگر یکی از این عناصر به‌گونه‌ای جدی محدود شود، کیفیت دفاع نیز تضعیف خواهد شد. بابایی و افراسیابی در بررسی حق متهم به وکیل در تحقیقات مقدماتی، نقش زمان دسترسی به وکیل را بسیار مهم دانسته‌اند، زیرا اگر حضور وکیل پس از انجام

اقدامات اصلی تحقیق امکان‌پذیر شود، بخش مهمی از کارکرد حمایتی او از بین می‌رود (Babaei & Afrasiabi, 2012). از این منظر، حق وکیل باید از همان نخستین اقدام مؤثر علیه آزادی یا وضعیت حقوقی شخص قابل اعمال باشد.

از منظر فقهی، نخستین مبنا برای توجیه دسترسی متهم به وکیل، اصل مشروعیت وکالت و نیابت است. وکالت از عقود شناخته‌شده در فقه امامیه است و اشخاص می‌توانند در اموری که مباشرت شخصی شرط نیست، دیگری را برای انجام امور حقوقی خود مأمور کنند. دفاع در برابر اتهام نیز از اموری است که ماهیتاً می‌تواند توسط شخص متخصص صورت گیرد و منع کلی از استفاده از وکیل فاقد مبنای روشن فقهی است. افزون بر این، اگر شخص به سبب فقدان دانش حقوقی، وضعیت روانی ناشی از بازداشت یا ناآشنایی با فرایند قضایی قادر به دفاع کامل از خود نباشد، استفاده از شخص آگاه و متخصص با منطق عقلایی و فقهی سازگار است. احمدی رابطه وکیل و موکل را مبتنی بر اعتماد، امانت و رعایت مصلحت موکل می‌داند (Ahmadi, 2015). این عناصر در پرونده کیفری اهمیت مضاعف دارند، زیرا آثار تصمیم‌های وکیل یا عدم حضور او می‌تواند مستقیماً با آزادی، حیثیت و گاه جان فرد ارتباط پیدا کند.

قاعده منع ظلم نیز یکی از مهم‌ترین مبانی فقهی حمایت از حق دفاع است. نظام کیفری زمانی مشروعیت اخلاقی و حقوقی دارد که فرایند کشف جرم و مجازات مرتکب در چارچوب عدالت انجام شود. اگر متهم در موقعیتی قرار گیرد که امکان دفاع واقعی نداشته باشد، خطر اعمال قدرت نامتوازن و تضییع حقوق او افزایش می‌یابد. در چنین شرایطی، حتی اگر هدف نهایی کشف حقیقت باشد، ابزارهای رسیدن به آن نمی‌توانند ناقض اصول عدالت باشند. مرادی، دادرسی منصفانه را مجموعه‌ای از تضمین‌های ساختاری برای جلوگیری از اعمال خودسرانه قدرت کیفری می‌داند (Moradi, 2022). از این منظر، وکیل یکی از مهم‌ترین ابزارهای کنترل قدرت در تحقیقات مقدماتی است و حضور او نه در تقابل با کشف حقیقت، بلکه در خدمت کشف حقیقت در چارچوب قانون قرار می‌گیرد.

اصل احتیاط در امور کیفری نیز با ضرورت دسترسی به وکیل ارتباط دارد. در فقه اسلامی نسبت به جان، آزادی، حیثیت و حقوق اشخاص حساسیت ویژه‌ای وجود دارد و در موارد تردید، اصل بر پرهیز از تحمیل مسئولیت کیفری بدون دلیل کافی است. این رویکرد با اصل برائت در حقوق معاصر هم‌جهت است. اگر نظام حقوقی در مقام اثبات جرم، شخص را در برابر ساختار قدرتمند تحقیق و تعقیب بدون دسترسی کافی به مشاوره حقوقی قرار دهد، احتمال خطا افزایش می‌یابد. صفری تأکید می‌کند که تضمین‌های حقوق بشری در حوزه دادرسی کیفری اساساً با هدف کاهش خطر محکومیت نادرست و محدود کردن اقتدار کیفری دولت شکل گرفته‌اند (Safari, 2011). بنابراین، دسترسی به وکیل را می‌توان به‌عنوان یکی از ابزارهای عملی احتیاط در انتساب جرم تلقی کرد.

از منظر حقوق اساسی، اصل سی‌وپنجم قانون اساسی ایران پایه صریحی برای حق داشتن وکیل ایجاد کرده است. این اصل، انتخاب وکیل را حقی برای طرفین دعوا می‌شناسد و در صورت عدم توانایی آنان، فراهم کردن امکانات تعیین وکیل را مورد توجه قرار می‌دهد. اگرچه ممکن است از نظر لفظی بحث شود که «دادگاه» و «دعوا» در این اصل ناظر بر مرحله رسیدگی قضایی است، تفسیر محدودکننده با فلسفه حق دفاع سازگار نیست. حق وکیل زمانی می‌تواند مؤثر باشد که پیش از شکل‌گیری بخش مهمی از ادله و پیش از اخذ اظهارات تعیین‌کننده متهم قابل اعمال باشد. هاشمی بر پیوستگی میان حق وکیل و سایر سازوکارهای دفاع کیفری تأکید کرده و آن را بخشی از تضمین کلی دادرسی منصفانه می‌داند (Hashemi, 2024). در نتیجه، حق دسترسی به وکیل باید به‌صورت یک حق فرایندی مستمر از آغاز تعقیب تا پایان رسیدگی تلقی شود.

اصل سی‌وهفتم قانون اساسی نیز که اصل برائت را به رسمیت می‌شناسد، مبنای دیگری برای تقویت حق وکیل است. برائت صرفاً یک قاعده اثباتی نیست، بلکه بر نحوه رفتار با متهم در کل فرایند کیفری اثر می‌گذارد. شخصی که هنوز محکوم نشده است باید از فرصت واقعی برای پاسخ‌گویی به اتهام برخوردار باشد و نظام قضایی نباید از فرض ضمنی مجرمیت آغاز کند. حضور وکیل به تعدیل چنین خطراتی کمک می‌کند، زیرا وکیل می‌تواند به متهم یادآوری کند که سکوت او به‌خودی‌خود نباید معادل پذیرش اتهام تلقی شود و مقام تحقیق نیز مکلف است علاوه بر ادله اتهامی، جهات برائت را نیز مورد توجه قرار دهد. صالحی، اصل برائت و حق دفاع را دو رکن مکمل آیین دادرسی کیفری می‌داند که بدون یکدیگر کارکرد کامل ندارند (Salehi, 2023).

حق سکوت نیز با دسترسی مؤثر به وکیل پیوند نزدیک دارد. بسیاری از متهمان ممکن است از آثار حقوقی سکوت یا پاسخ‌گویی خود آگاه نباشند و تحت تأثیر فشار روانی ناشی از بازداشت یا اتهام، به بیان مطالبی بپردازند که بعدها علیه آنان استفاده شود. حضور وکیل می‌تواند استفاده آگاهانه از حق سکوت را امکان‌پذیر کند و مانع از آن شود که این حق صرفاً در حد یک اعلام رسمی باقی بماند. اسلامی در بررسی حقوق دفاعی بر ضرورت اطلاع‌رسانی واقعی به متهم تأکید کرده است (Eslami, 2023). اطلاع‌رسانی هنگامی مؤثر است که شخص معنای حقوق خود را درک کند و بتواند بر اساس مشاوره حرفه‌ای تصمیم بگیرد.

اصل تساوی سلاح‌ها نیز از مبانی مهم حق وکیل است. هرچند این اصل بیشتر در مرحله رسیدگی ترافعی مطرح می‌شود، منطق آن در تحقیقات مقدماتی نیز قابل اعمال است. دادستان و بازپرس به منابع، ابزارها، تجربه و اختیارات قانونی گسترده‌ای دسترسی دارند، در حالی که متهم غالباً فاقد دانش حقوقی و امکانات مشابه است. تساوی سلاح‌ها به معنای برابری کامل مادی میان طرفین نیست، بلکه به این معناست که هیچ طرفی نباید در وضعیتی قرار گیرد که عملاً امکان دفاع از منافع خود را نداشته باشد. حریری، دادرسی منصفانه را مستلزم ایجاد تعادل معقول میان حقوق و امکانات طرفین می‌داند (Hariri, 2024). دسترسی به وکیل یکی از اصلی‌ترین ابزارهای ایجاد این تعادل است.

استقلال حرفه‌ای وکیل نیز عنصر جدایی‌ناپذیر دسترسی مؤثر است. حتی اگر وکیل در ظاهر در کنار متهم حاضر باشد، در صورتی که نتواند مستقل از ساختار تعقیب و تحقیق عمل کند، نقش او به‌عنوان مدافع تضعیف خواهد شد. جلالی استقلال حرفه وکالت را شرط اعتماد عمومی به نظام دادرسی و تضمین دفاع بی‌طرفانه می‌داند (Jalali, 2013). استقلال به این معناست که وکیل بتواند بدون ترس از پیامدهای ناموجه، اقدامات مقام تحقیق را نقد کند، نسبت به تخلف از حقوق موکل اعتراض نماید و راهبرد دفاعی مناسب را برگزیند. عباسی نیز در تحلیل جایگاه وکالت، ارتباط میان استقلال حرفه‌ای و کیفیت دفاع را برجسته می‌سازد (Abbasi, 2024). بنابراین، هر محدودیتی که انتخاب یا عملکرد مستقل وکیل را تحت تأثیر قرار دهد، باید از منظر تأثیر آن بر ماهیت حق دفاع ارزیابی شود.

محرمانگی رابطه وکیل و موکل یکی دیگر از عناصر اساسی دسترسی مؤثر است. متهم باید بتواند اطلاعات مربوط به پرونده، حتی اطلاعاتی که ممکن است برای او نامطلوب یا حساس باشد، با وکیل خود در میان بگذارد. اگر احتمال دهد که مکالمات وی شنود می‌شود یا اطلاعات ردوبدل‌شده به مقام تحقیق منتقل خواهد شد، اعتماد لازم برای دفاع شکل نمی‌گیرد. رابطه وکیل و موکل ذاتاً مبتنی بر امانت است و بدون محرمانگی، این رابطه کارکرد حرفه‌ای خود را از دست می‌دهد. رنجبر استقلال و محرمانگی حرفه وکالت را از تضمین‌های اساسی حق دفاع دانسته است (Ranjbar, 2017). از همین رو، ملاقات وکیل و متهم باید در شرایطی انجام شود که اصل محرمانگی رعایت گردد، مگر در موارد کاملاً استثنایی و بر مبنای ضوابط روشن قانونی.

مسئله معاضدت قضایی و وکالت تسخیری نیز در چارچوب حق دسترسی مؤثر اهمیت دارد. حق وکیل نباید به امکانی برای اشخاص متمکن محدود شود. اگر متهم از توانایی مالی برای انتخاب وکیل برخوردار نباشد، نظام حقوقی باید سازوکاری ایجاد کند که وی از کمک حقوقی مناسب محروم نشود. محسنی در بررسی وکالت تسخیری و معاضدتی در ایران، ضرورت تأمین حداقل‌های دفاع حرفه‌ای برای افراد فاقد تمکن مالی را مورد تأکید قرار داده است (Mohseni, 2013). زارعی نیز نشان می‌دهد که مشکلات نهادی و اجرایی وکالت تسخیری می‌تواند سبب شود این نهاد در عمل نتواند تمام کارکردهای مورد انتظار را ایفا کند (Zarei, 2019). بنابراین، دسترسی مؤثر مستلزم آن است که کیفیت خدمات حقوقی صرفاً تابع توان مالی متهم نباشد.

در مجموع، مبانی فقهی و حقوقی نشان می‌دهد که دسترسی به وکیل را نمی‌توان به یک امتیاز جانبی در تحقیقات مقدماتی تقلیل داد. این حق از اصولی چون عدالت، منع ظلم، اصل برائت، حق دفاع، تساوی سلاح‌ها، کرامت انسانی و ضرورت استقلال وکیل تغذیه می‌کند. همچنین ماهیت خاص تحقیقات مقدماتی اقتضا می‌کند که دسترسی به وکیل در همان مراحل اولیه برقرار شود. هرگونه تأخیر یا محدودیت باید استثنایی، ضروری و متناسب باشد و نباید به‌گونه‌ای اعمال شود که جوهره حق دفاع را از بین ببرد. از این منظر، معیار ارزیابی مقررات قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ نه صرف وجود نص قانونی درباره وکیل، بلکه میزان تحقق عملی این مجموعه از مؤلفه‌هاست.

ظرفیت‌های قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ در تضمین دسترسی مؤثر به وکیل

قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ را می‌توان نقطه‌ای مهم در روند تحول حقوق دفاعی متهم در ایران دانست. این قانون در مقایسه با مقررات پیشین، توجه بیشتری به حقوق اشخاص تحت‌نظر، ضرورت تفهیم حقوق دفاعی، حضور وکیل در تحقیقات و کنترل رفتار ضابطان نشان داده است. ساغیان با تحلیل تحولات این قانون، آن را در جهت تقویت حقوق و آزادی‌های متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی ارزیابی کرده است (Saghian, 2013). اهمیت این رویکرد از آن جهت است که قانون‌گذار از نگاه صرفاً جرم‌محور و اقتدارگرا فاصله گرفته و تا حد بیشتری ضرورت ایجاد توازن میان کشف جرم و حمایت از حقوق فردی را پذیرفته است.

یکی از ظرفیت‌های مهم قانون جدید، پذیرش این اصل است که متهم باید از حقوق خود آگاه شود. اطلاع از اتهام و حقوق دفاعی پیش‌شرط هرگونه دفاع مؤثر است. شخصی که نمی‌داند چرا بازداشت شده، چه حقی برای سکوت دارد یا چگونه می‌تواند با وکیل تماس بگیرد، عملاً قادر به استفاده از تضمین‌های قانونی نیست. اسلامی تأکید می‌کند که آگاهی از حقوق باید به‌گونه‌ای باشد که متهم بتواند آثار تصمیم‌های خود را درک کند (Eslami, 2023). در این چارچوب، تکلیف ضابطان و مقامات قضایی به اعلام حقوق متهم یکی از عناصر مثبت قانون ۱۳۹۲ است، زیرا زمینه را برای بهره‌مندی واقعی‌تر از حق وکیل فراهم می‌کند.

دومین ظرفیت مهم، شناسایی امکان حضور وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی است. در نظام‌های سنتی، گاه تصور می‌شد حضور وکیل ممکن است مانع کشف حقیقت شود یا روند تحقیق را مختل کند. با این حال، تحولات جدید آیین دادرسی نشان داده است که حضور وکیل، در صورت تنظیم صحیح حدود مداخله او، نه‌تنها مانع کشف حقیقت نیست بلکه می‌تواند به صحت و اعتبار تحقیقات کمک کند. محسنی نقش وکیل در تحقیقات مقدماتی را از منظر کنترل قانونی اقدامات مقام تحقیق و حمایت از حقوق متهم برجسته کرده است (Mohseni, 2021). وکیل می‌تواند نسبت به نحوه طرح پرسش‌ها، رعایت ممنوعیت اکراه و اجبار، ثبت صحیح اظهارات و رعایت تشریفات قانونی حساسیت نشان دهد و از این طریق، کیفیت ادله حاصل از تحقیقات را نیز افزایش دهد.

ماده ۱۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری در این زمینه اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا اصل حق همراه داشتن وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی را به رسمیت می‌شناسد. این شناسایی از منظر حقوق دفاعی تحولی مهم است. متهم می‌تواند یک نفر وکیل دادگستری همراه خود داشته باشد و وکیل نیز در حدود مقرر قانونی امکان حضور در فرایند تحقیق و ارائه ملاحظات را دارد. بابایی و افراسیابی پیش از تصویب نهایی قانون نیز بر ضرورت تثبیت این حق در تحقیقات مقدماتی تأکید کرده بودند (Babaei & Afrasiabi, 2012). قانون ۱۳۹۲ از این جهت به سمت پذیرش این دیدگاه حرکت کرده و جایگاه وکیل را از یک ناظر صرفاً بیرونی به یک بازیگر حقوقی حاضر در مرحله تحقیق نزدیک‌تر ساخته است.

یکی دیگر از ظرفیت‌های مهم قانون، توجه به اعتبار حقوق دفاعی در مرحله تحت‌نظر است. مرحله تحت‌نظر در عمل یکی از حساس‌ترین مراحل برای متهم است، زیرا معمولاً نخستین تماس رسمی او با ساختار کیفری در همین زمان رخ می‌دهد. هاشمی معتقد است تضمین حق وکیل زمانی معنا پیدا می‌کند که از ابتدای مواجهه فرد با دستگاه عدالت کیفری قابل اعمال باشد (Hashemi, 2024). قانون ۱۳۹۲ با شناسایی برخی حقوق اشخاص تحت‌نظر، گامی در جهت کاهش فاصله میان مرحله پلیسی و مرحله قضایی برداشته است. این تحول از منظر نظری اهمیت زیادی دارد؛ زیرا مانع از آن می‌شود که مرحله پیش از حضور نزد مقام قضایی به منطقه‌ای خارج از حمایت‌های حقوق دفاعی تبدیل شود.

قانون همچنین بر ممنوعیت رفتارهایی که کرامت یا اراده آزاد متهم را مخدوش می‌کند تأکید دارد. اگر اظهارات متهم تحت فشار، اجبار، تهدید یا رفتار خلاف قانون اخذ شود، اعتبار دادرسی و مشروعیت نتیجه آن محل تردید خواهد بود. حضور وکیل می‌تواند در پیشگیری از چنین وضعیت‌هایی نقش مهمی داشته باشد. رستمی حق وکیل را یکی از تضمین‌های جلوگیری از نقض حقوق بشر در فرایند کیفری می‌داند (Rostami, 2021). از همین منظر، دسترسی به وکیل نه فقط برای ارائه استدلال حقوقی، بلکه برای کنترل شیوه رفتار با متهم نیز اهمیت پیدا می‌کند.

از دیگر ظرفیت‌های قانون ۱۳۹۲، گسترش نگاه به حقوق دفاعی به‌عنوان مجموعه‌ای پیوسته است. حق اطلاع از اتهام، حق سکوت، حق برخورداری از وکیل، امکان اعتراض به برخی اقدامات و حق برخورداری از رسیدگی منصفانه، اجزای جدا از یکدیگر نیستند. صالحی این حقوق را بخشی از نظام یکپارچه تضمین دفاع می‌داند (Salehi, 2023). در نتیجه، هرچه قانون میان این حقوق ارتباط بیشتری برقرار کند، احتمال تحقق دفاع مؤثر افزایش می‌یابد. برای نمونه، حق وکیل بدون دسترسی به اطلاعات کافی درباره موضوع اتهام کارایی محدودی دارد و حق سکوت بدون مشاوره حقوقی ممکن است به‌درستی درک نشود.

امکان ارائه ملاحظات وکیل در جریان تحقیقات نیز یکی دیگر از نقاط مثبت قانون است. وکیل نباید صرفاً شاهد منفعل تحقیقات باشد. اگر حضور او به نشستن در جلسه و مشاهده بازجویی محدود شود، کارکرد اصلی دفاع حرفه‌ای کاهش می‌یابد. در ساختار مطلوب، وکیل باید بتواند نسبت به موارد خلاف قانون اعتراض کند، پرسش‌ها یا نکات ضروری را مطرح سازد و ملاحظات خود را برای درج در پرونده ارائه دهد. اکبریان نقش فعال وکیل را در تحقق واقعی حق دفاع ضروری می‌داند (Akbarian, 2014). مقررات قانون ۱۳۹۲، هرچند با محدودیت‌هایی، امکان چنین مداخله‌ای را تا حدی فراهم کرده است.

ظرفیت دیگر قانون، پذیرش این واقعیت است که در برخی پرونده‌ها، حضور وکیل باید الزامی یا دست‌کم به‌صورت تسخیری فراهم شود. در جرایم مهم که پیامدهای سنگینی برای متهم دارند، تکیه بر توان شخص برای دفاع از خود کافی نیست. نهاد وکالت تسخیری با هدف جلوگیری

از بی‌دفاع ماندن متهم شکل گرفته است. محسنی تأکید دارد که این نهاد باید به‌گونه‌ای طراحی شود که وکیل تسخیری از حیث دسترسی به پرونده، استقلال و امکان دفاع، در وضعیتی متفاوت و ضعیف‌تر از وکیل انتخابی قرار نگیرد (Mohseni, 2013). قانون آیین دادرسی کیفری با به رسمیت شناختن مواردی از وکالت الزامی یا تسخیری، زمینه‌ای برای حمایت از متهمان فاقد وکیل فراهم می‌سازد.

این قانون همچنین می‌تواند از منظر تقویت استقلال وکیل ارزیابی شود. هرچند استقلال حرفه وکالت موضوعی فراتر از آیین دادرسی است، کیفیت اعمال حق دسترسی به وکیل به این استقلال وابسته است. کریمی استقلال وکیل را مکمل استقلال قضایی می‌داند و معتقد است بدون آن، دفاع واقعی در برابر قدرت عمومی دشوار خواهد شد (Karimi, 2022). قانون ۱۳۹۲ در برخی مواد جایگاه وکیل را به‌عنوان یکی از بازیگران مشروع فرایند کیفری پذیرفته و از این حیث ظرفیت نهادی مهمی برای تقویت حضور حرفه‌ای وکیل فراهم ساخته است.

از جهت رابطه محرمانه میان وکیل و موکل نیز قانون دارای ظرفیت‌های قابل توجهی است. هرچند مقررات موجود ممکن است در مقام اجرا با چالش‌هایی همراه باشد، اصل امکان ملاقات و ارتباط متهم با وکیل به رسمیت شناخته شده است. رنجبر محرمانگی را یکی از ارکان اعتماد میان متهم و وکیل می‌داند (Ranjbar, 2017). اگر این اصل به‌صورت صحیح اجرا شود، متهم می‌تواند بدون نگرانی از انتقال محتوای گفت‌وگو به نهاد تعقیب، اطلاعات لازم را در اختیار وکیل قرار دهد و راهبرد دفاعی مناسب طراحی شود.

یکی دیگر از مزایای ساختاری قانون ۱۳۹۲ آن است که حقوق دفاعی را به‌طور آشکارتر وارد ادبیات قانونی کرده است. این امر از منظر فرهنگ قضایی نیز اهمیت دارد. زمانی که قانون به‌صورت صریح از حق وکیل و سایر حقوق متهم سخن می‌گوید، مقامات تحقیق و ضابطان نیز ناگزیرند این حقوق را بخشی از تشریفات مشروع تحقیق تلقی کنند. حسنی دادرسی عادلانه را تنها محصول مقررات نمی‌داند، بلکه آن را وابسته به شکل‌گیری فرهنگ احترام به حقوق دفاعی در میان نهادهای قضایی می‌داند (Hassani, 2015). به همین دلیل، حتی شناسایی صریح حقوق در متن قانون می‌تواند در بلندمدت آثار نهادی مهمی داشته باشد.

با وجود این ظرفیت‌ها، باید توجه داشت که ارزش واقعی قانون به کیفیت اجرای آن وابسته است. شناسایی یک حق در متن قانونی زمانی مؤثر است که ضمانت اجرا برای نقض آن وجود داشته باشد و مقامات مسئول نسبت به اجرای آن پاسخگو باشند. اگر متهم بدون وکیل مورد بازجویی قرار گیرد یا از امکان تماس به‌موقع با وکیل محروم شود، باید روشن باشد که این تخلف چه اثری بر اعتبار تحقیقات یا مسئولیت مقام متخلف دارد. مرادی تأکید می‌کند که حقوق دفاعی بدون ضمانت اجرای مؤثر ممکن است به قواعدی نمادین تبدیل شوند (Moradi, 2022). قانون ۱۳۹۲ در برخی حوزه‌ها سازوکارهایی برای کنترل اقدامات خلاف قانون پیش‌بینی کرده است، اما میزان کفایت این ضمانت اجراها همچنان محل بحث است.

از منظر حمایت از متهمان آسیب‌پذیر نیز ظرفیت قانون قابل توجه است. افرادی مانند کودکان، اشخاص دارای اختلالات ذهنی، بی‌سوادان یا کسانی که به زبان رسمی تسلط ندارند، ممکن است بیش از دیگران به کمک وکیل نیاز داشته باشند. حق دسترسی به وکیل برای این گروه‌ها اهمیت مضاعف دارد. صفری رعایت معیارهای حقوق بشری را مستلزم توجه خاص به گروه‌هایی می‌داند که در فرایند کیفری از آسیب‌پذیری بیشتری برخوردارند (Safari, 2011). قانون آیین دادرسی کیفری، به‌ویژه در حوزه دادرسی اطفال و برخی وضعیت‌های خاص، ظرفیت‌هایی برای حمایت ویژه ایجاد کرده است که می‌تواند با تفسیر حمایتی به تقویت دسترسی مؤثر به وکیل منجر شود.

از نظر ساختاری، مهم‌ترین نقطه قوت قانون ۱۳۹۲ آن است که به‌طور کلی پذیرفته است تحقیقات مقدماتی نباید عرصه‌ای خارج از تضمین‌های دادرسی منصفانه باشد. این پذیرش، تحولی اساسی در فلسفه آیین دادرسی کیفری ایران محسوب می‌شود. حتی اگر برخی محدودیت‌ها

همچنان باقی مانده باشند، اصل حضور وکیل، حق اطلاع از حقوق و توجه به کرامت متهم نشان می‌دهد که قانون‌گذار به ضرورت کنترل اقتدار عمومی در مرحله تحقیق واقف شده است. ساغیان این جهت‌گیری را در مقایسه با مقررات سابق گامی رو به جلو می‌داند (Saghian, 2013). با این حال، برای ارزیابی نهایی قانون باید مشخص شود که آیا استثناها و محدودیت‌های آن به اندازه‌ای گسترده هستند که این ظرفیت‌ها را تضعیف کنند یا خیر.

محدودیت‌ها و چالش‌های دسترسی مؤثر به وکیل با رویکرد تطبیقی

با وجود پیشرفت‌های قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، بررسی دقیق مقررات و رویه‌های مرتبط نشان می‌دهد که میان شناسایی رسمی حق وکیل و تحقق کامل «دسترسی مؤثر» همچنان فاصله‌ای قابل توجه وجود دارد. نخستین چالش، محدودیت در زمان و شیوه دسترسی است. حق وکیل زمانی بیشترین ارزش را دارد که پیش از آغاز بازجویی و پیش از اخذ اظهارات مهم در اختیار متهم قرار گیرد. اگر تماس با وکیل پس از انجام بخش عمده تحقیقات یا پس از شکل‌گیری ادله اصلی فراهم شود، تأثیر دفاعی آن کاهش می‌یابد. بابایی و افراسیابی بر اهمیت دسترسی زودهنگام تأکید کرده‌اند و آن را شرط واقعی بودن حق دفاع در تحقیقات مقدماتی می‌دانند (Babaei & Afrasiabi, 2012). بنابراین، هر تأخیری که بدون ضرورت روشن و قابل کنترل رخ دهد می‌تواند ماهیت حق را تضعیف کند.

مهم‌ترین محدودیت مورد مناقشه در نظام کنونی ایران، تبصره ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری است. محدود کردن انتخاب وکیل به فهرست مورد تأیید در برخی جرایم خاص، از منظر اصول دادرسی منصفانه با پرسش‌های جدی مواجه است. حق انتخاب وکیل با اعتماد شخصی میان متهم و وکیل ارتباط دارد. متهم ممکن است تنها به وکیلی خاص اعتماد داشته باشد یا به سبب تخصص، سابقه یا شناخت قبلی، دفاع خود را به او بسپارد. اگر این انتخاب توسط ساختار اداری یا قضایی محدود شود، رابطه اعتماد تحت تأثیر قرار می‌گیرد. عباسی استقلال و آزادی وکیل را از عناصر اساسی دفاع حرفه‌ای می‌داند (Abbasi, 2024). محدودیت مزبور از این منظر ممکن است این تصور را ایجاد کند که در مهم‌ترین پرونده‌ها، آزادی دفاع دقیقاً در زمانی کاهش می‌یابد که نیاز به آن بیشتر است.

استقلال حرفه‌ای وکیل در اینجا اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. وکیلی که قرار است از متهم در برابر اتهامی سنگین دفاع کند، باید از حیث نهادی و روانی مستقل باشد. جلالی بر این باور است که استقلال وکیل تنها یک امتیاز صنفی نیست، بلکه تضمینی برای حقوق شهروندان در برابر قدرت عمومی است (Jalali, 2013). کریمی نیز استقلال وکیل را بخشی از ساختار کلی عدالت قضایی می‌داند (Karimi, 2022). بنابراین، سازوکاری که در آن انتخاب وکیل به تأیید نهادی وابسته شود، باید با معیارهای سختگیرانه ضرورت و تناسب ارزیابی گردد. حتی اگر هدف چنین محدودیتی حمایت از امنیت یا جلوگیری از سوءاستفاده باشد، باید نشان داده شود که ابزار انتخاب‌شده کم‌مداخله‌ترین وسیله ممکن برای دستیابی به این هدف است.

چالش دیگر، محدودیت دسترسی وکیل به اطلاعات و اوراق پرونده است. دفاع مؤثر بدون آگاهی از ماهیت اتهام و ادله اصلی علیه متهم دشوار است. البته در مرحله تحقیقات مقدماتی ممکن است حفظ محرمانگی برخی اطلاعات برای جلوگیری از اخلال در تحقیق ضروری باشد؛ اما این ضرورت نباید به محرومیت کلی وکیل از اطلاعات اساسی تبدیل شود. محسنی تأکید می‌کند که وکیل برای انجام وظیفه دفاعی خود باید به حداقل اطلاعات لازم دسترسی داشته باشد (Mohseni, 2021). در غیر این صورت، حضور وکیل جنبه تشریفاتی پیدا می‌کند. تعادل مناسب آن است که اطلاعاتی که افشای آن‌ها به‌طور واقعی روند تحقیق را تهدید می‌کند، موقتاً محدود شوند، اما این محدودیت باید مستدل، محدود از نظر زمانی و قابل اعتراض باشد.

از منظر تطبیقی، یکی از معیارهای پذیرفته‌شده در نظام‌های مبتنی بر دادرسی منصفانه این است که محدودیت حق وکیل باید استثنایی و مبتنی بر ضرورت واقعی باشد. اصل بر دسترسی است و محدودیت باید نیازمند توجیه باشد، نه برعکس. حریری در بررسی اصول دادرسی منصفانه بر ضرورت تفسیر مضیق محدودیت‌های حقوق دفاعی تأکید می‌کند (Hariri, 2024). در بسیاری از نظام‌های حقوقی، اگر به دلایل امنیتی یا ضرورت فوری تحقیق محدودیتی موقت بر حضور وکیل اعمال شود، این اقدام باید تحت نظارت قضایی، برای مدت کوتاه و همراه با تضمین‌های جبرانی باشد. چنین رویکردی با ایده تناسب سازگارتر است.

محرمانگی ارتباط وکیل و موکل نیز در عمل ممکن است با چالش مواجه شود. دسترسی مؤثر زمانی تحقق می‌یابد که متهم بتواند آزادانه و بدون ترس از افشای اطلاعات با وکیل گفت‌وگو کند. رنجبر محرمانگی را یکی از شروط اساسی اعتماد در رابطه دفاعی می‌داند (Ranjbar, 2017). اگر ملاقات وکیل و متهم در شرایطی انجام شود که احتمال شنود یا نظارت وجود داشته باشد، متهم ممکن است از بیان اطلاعات حساس خودداری کند و در نتیجه وکیل نتواند راهبرد دفاعی مناسبی اتخاذ نماید. در استانداردهای تطبیقی نیز اصل محرمانگی ارتباطات وکیل و موکل به‌عنوان یکی از عناصر هسته‌ای حق دفاع شناخته می‌شود.

یکی دیگر از محدودیت‌ها، نقش محدود وکیل در برخی مراحل بازجویی است. اگر وکیل تنها مجاز باشد پس از پایان بازجویی نکاتی را بیان کند، امکان جلوگیری از پرسش‌های نامناسب یا هدایت‌کننده کاهش می‌یابد. اکبریان حضور فعال وکیل را لازمه دفاع واقعی می‌داند (Akbarian, 2014). البته وکیل نباید روند تحقیق را مختل کند یا به جای متهم پاسخ دهد، اما باید بتواند در صورت طرح پرسش‌های خلاف قانون، فشار ناموجه یا نقض حقوق موکل واکنش نشان دهد. در بسیاری از نظام‌های تطبیقی، میان ممنوعیت اخلال در بازجویی و حق مداخله محدود اما مؤثر وکیل توازن برقرار شده است.

ضمانت اجرای نقض حق دسترسی به وکیل نیز یکی از کاستی‌های مهم است. در صورتی که متهم بدون دسترسی به وکیل بازجویی شود یا حقوق او رعایت نشود، باید مشخص باشد که این تخلف چه پیامدی دارد. اگر نقض حق بدون اثر جدی بر اعتبار تحقیقات باقی بماند، انگیزه کافی برای رعایت دقیق قانون ایجاد نخواهد شد. مرادی بر نقش ضمانت اجرا در واقعی‌شدن حقوق دفاعی تأکید کرده است (Moradi, 2022). در برخی نظام‌ها، اظهارات اخذشده در شرایط نقض شدید حق وکیل ممکن است غیرقابل استناد تلقی شود یا دست‌کم اعتبار آن‌ها به‌طور جدی کاهش یابد. در حقوق ایران، نیاز به روشن‌تر شدن ارتباط میان نقض حق وکیل و اعتبار ادله احساس می‌شود.

چالش دیگری که باید مورد توجه قرار گیرد، تفاوت میان حق وکیل برای متهمان برخوردار و فاقد تمکن مالی است. دسترسی مؤثر نباید به توان اقتصادی وابسته باشد. وکالت تسخیری و معاضدتی برای رفع این نابرابری پیش‌بینی شده است، اما کیفیت این خدمات در عمل اهمیت اساسی دارد. محسنی نشان می‌دهد که صرف تعیین وکیل تسخیری کافی نیست و باید شرایطی فراهم شود که او زمان، امکانات و دسترسی لازم برای دفاع را داشته باشد (Mohseni, 2013). زارعی نیز چالش‌هایی مانند تأخیر در تعیین وکیل یا ضعف ساختارهای حمایتی را از مشکلات وکالت تسخیری می‌داند (Zarei, 2019). اگر وکیل تنها در مراحل پایانی وارد پرونده شود یا فرصت مطالعه کافی نداشته باشد، هدف اصلی نهاد وکالت تسخیری تحقق نمی‌یابد.

از حیث گروه‌های آسیب‌پذیر، نظام حقوقی باید سطح حمایت بالاتری پیش‌بینی کند. کودکان، اشخاص دارای ناتوانی ذهنی، اتباع خارجی یا افرادی که سواد کافی ندارند، ممکن است حتی نتوانند معنای حقوقی اتهام یا حق سکوت را درک کنند. صفری بر ضرورت حمایت مضاعف از متهمان آسیب‌پذیر در چارچوب حقوق بشر تأکید دارد (Safari, 2011). در رویکرد تطبیقی نیز معمولاً برای این گروه‌ها حضور وکیل یا

نماینده قانونی از اهمیت بیشتری برخوردار است و گاه اجباری می‌شود. حقوق ایران نیز باید این اصل را به‌گونه‌ای منسجم‌تر در تمامی مراحل مقدماتی اعمال کند.

یکی از موضوعات قابل نقد، فاصله میان مقررات قانونی و فرهنگ اجرایی است. حتی بهترین قوانین نیز در صورتی که مقامات تحقیق و ضابطان حق وکیل را مانعی بر سر راه کشف جرم تلقی کنند، کارآمد نخواهند بود. حسنی بر نقش فرهنگ قضایی در تحقق دادرسی عادلانه تأکید دارد (Hassani, 2015). اگر حضور وکیل با نگاه بدبینانه مواجه شود یا اعمال حق دفاع به‌عنوان رفتار مزاحم تلقی گردد، ظرفیت‌های قانون عملاً محدود خواهد شد. از این جهت، آموزش ضابطان و مقامات قضایی درباره نقش وکیل در افزایش اعتبار تحقیقات اهمیت زیادی دارد.

نظام تطبیقی نشان می‌دهد که کشورهایی که به سمت تقویت حق وکیل حرکت کرده‌اند، معمولاً سه ویژگی مشترک دارند: دسترسی زودهنگام، محرمانگی ارتباط و نظارت قضایی بر هرگونه محدودیت. این سه مؤلفه می‌توانند به‌عنوان معیار ارزیابی مقررات ایران نیز مورد استفاده قرار گیرند. هاشمی بر ضرورت پیوند میان حق وکیل و سایر تضمین‌های فرایندی تأکید می‌کند (Hashemi, 2024). اگر این عناصر به‌صورت یکپارچه اجرا شوند، حضور وکیل از یک تشریفات شکلی به ابزار واقعی دفاع تبدیل خواهد شد.

یکی دیگر از ابعاد تطبیقی، تأکید بر استقلال نهاد وکالت است. هرچقدر ساختار انتخاب و انتصاب وکیل به نهادهای دولتی یا قضایی وابسته‌تر شود، احتمال تضعیف اعتماد عمومی افزایش می‌یابد. عباسی بر اهمیت استقلال حرفه‌ای وکیل در نظام حقوقی ایران تأکید دارد (Abbasi, 2024). رنجبر نیز استقلال کانون وکلا را با کیفیت دفاع و حمایت از حقوق متهم مرتبط می‌داند (Ranjbar, 2017). در نظام‌های پیشرفته، استقلال حرفه وکالت بخشی از ساختار دادرسی منصفانه تلقی می‌شود و مداخله دولت در انتخاب وکیل، جز در موارد بسیار محدود و استثنایی، پذیرفته نیست.

محدودیت‌های مربوط به امنیت ملی و جرایم سازمان‌یافته نیز باید با دقت تحلیل شوند. بدون تردید، برخی پرونده‌ها دارای حساسیت ویژه‌اند و افشای زودهنگام اطلاعات ممکن است روند تحقیق یا امنیت اشخاص را به خطر اندازد. با این حال، این واقعیت به‌خودی‌خود توجیه‌کننده محدودیت گسترده و کلی حق وکیل نیست. اصل تناسب اقتضا می‌کند که محدودیت تنها تا حدی اعمال شود که برای رفع خطر مشخص ضروری باشد. صالحی حق دفاع را حقی می‌داند که محدودیت آن باید استثنایی باشد (Salehi, 2023). در نتیجه، مقرراتی که به‌صورت عام و بدون ارزیابی موردی، محدودیت‌هایی اعمال می‌کنند، از منظر دادرسی منصفانه نیازمند بازنگری هستند.

در نهایت، مهم‌ترین چالش قانون ۱۳۹۲ را می‌توان در این دانست که میان شناسایی حق وکیل و طراحی استثناهای متعدد توازن کاملی برقرار نشده است. اصل حق دسترسی به وکیل به‌صورت روشن پذیرفته شده، اما برخی محدودیت‌ها ممکن است در پرونده‌های مهم، همان جایی که نیاز به دفاع بیشترین است، کارایی این حق را کاهش دهند. رویکرد تطبیقی نشان می‌دهد که معیار مناسب، حفظ جوهره حق و اعمال محدودیت‌های حداقلی و قابل کنترل است. اصلاح تبصره ماده ۴۸، تقویت محرمانگی، توسعه وکالت تسخیری مؤثر، روشن‌سازی ضمانت اجرای نقض حق وکیل و تضمین دسترسی زودهنگام می‌تواند فاصله میان حق صوری و حق واقعی را کاهش دهد.

نتیجه‌گیری

حق دسترسی مؤثر به وکیل در تحقیقات مقدماتی یکی از بنیادی‌ترین تضمین‌های دادرسی منصفانه است و اهمیت آن از ماهیت خاص این مرحله ناشی می‌شود. متهم در نخستین مراحل مواجهه با نظام عدالت کیفری معمولاً در موقعیتی نابرابر نسبت به ضابطان، دادستان و بازپرس

قرار دارد و ممکن است از دانش حقوقی، تجربه، منابع و توانایی لازم برای دفاع از خود برخوردار نباشد. در چنین شرایطی، حضور وکیل نه یک امتیاز تشریفاتی بلکه ابزاری برای ایجاد توازن در فرایند کیفری، حفظ کرامت انسانی، جلوگیری از اعمال فشار نامشروع و کاهش خطر خطای قضایی است. مفهوم دسترسی مؤثر فراتر از صرف وجود یک وکیل در پرونده است و مستلزم آن است که متهم از همان مراحل ابتدایی بتواند به‌صورت واقعی و به‌موقع از مشاوره حقوقی برخوردار شود، با وکیل منتخب خود رابطه‌ای محرمانه برقرار کند و امکان بهره‌مندی از دفاع حرفه‌ای را در اقدامات مهم تحقیق داشته باشد.

تحلیل فقهی نشان می‌دهد که اگرچه اصطلاح «حق دسترسی مؤثر به وکیل» با ادبیات امروزین در منابع سنتی مطرح نشده است، مبانی متعددی برای حمایت از آن وجود دارد. مشروعیت نهاد وکالت و نیابت، ضرورت رعایت عدالت، منع ظلم، احتیاط در امور کیفری، اصل حفظ حقوق اشخاص و ضرورت جلوگیری از تضییع جان، آزادی و حیثیت افراد همگی می‌توانند پشتوانه‌ای برای پذیرش نقش فعال وکیل در فرایند کیفری باشند. از این منظر، منع یا محدودسازی غیرضروری حضور وکیل نه‌تنها با منطق جدید دادرسی منصفانه، بلکه با مبانی عمومی عدالت در فقه نیز سازگاری کامل ندارد. هرگاه شخص در موقعیتی قرار گیرد که دفاع از حق خود نیازمند دانش تخصصی باشد، فراهم کردن امکان استفاده از فرد متخصص با منطق عقلایی و شرعی سازگارتر است.

از منظر حقوق اساسی نیز حق وکیل با اصول بنیادینی مانند حق دفاع، اصل برائت، کرامت انسانی و منع تعرض خودسرانه به حقوق اشخاص ارتباط مستقیم دارد. اصل سی‌وپنجم قانون اساسی را نمی‌توان به‌گونه‌ای تفسیر کرد که حق وکیل تنها از زمان تشکیل دادگاه آغاز شود. فلسفه این اصل اقتضا می‌کند که شخص از همان زمانی که به‌طور مؤثر در معرض اتهام و اقدامات محدودکننده قرار می‌گیرد، از امکان استفاده از وکیل برخوردار باشد. بخش مهمی از ادله پرونده در تحقیقات مقدماتی شکل می‌گیرد و بسیاری از تصمیم‌های سرنوشت‌ساز در همین مرحله اتخاذ می‌شود؛ بنابراین، تأخیر در دسترسی به وکیل می‌تواند آثار جبران‌ناپذیری داشته باشد.

قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ در این زمینه حاوی ظرفیت‌های مهمی است. شناسایی حق همراه داشتن وکیل در تحقیقات، توجه به حقوق شخص تحت‌نظر، الزام به اطلاع‌رسانی درباره حقوق دفاعی، پذیرش نقش وکیل در فرایند تحقیق و توجه به وکالت تسخیری، همگی نشان‌دهنده تغییر رویکرد قانون‌گذار از نگاه صرفاً اقتدارمحور به سمت پذیرش گسترده‌تر الزامات دادرسی منصفانه است. این تحولات باید به‌عنوان نقاط قوت قانون حفظ و تقویت شوند. قانون ۱۳۹۲ از این حیث توانسته است تحقیقات مقدماتی را بیش از گذشته در چارچوب حقوق دفاعی قرار دهد و از تبدیل این مرحله به فضایی خارج از کنترل تضمین‌های قانونی جلوگیری کند.

با این حال، مهم‌ترین یافته این پژوهش آن است که شناسایی قانونی حق وکیل هنوز در همه موارد به معنای تحقق دسترسی مؤثر نیست. برخی محدودیت‌های قانونی و عملی همچنان می‌توانند کارکرد واقعی این حق را کاهش دهند. محدودیت در انتخاب وکیل در برخی پرونده‌ها، امکان محدودیت دسترسی به اطلاعات پرونده، ابهام در حدود مداخله وکیل هنگام بازجویی، کاستی‌های مربوط به محرمانگی ارتباط وکیل و متهم و نبود ضمانت اجرای قاطع در برخی موارد، از جمله چالش‌هایی هستند که مانع تحقق کامل مفهوم دسترسی مؤثر می‌شوند. این محدودیت‌ها به‌ویژه در پرونده‌های مهم و حساس اهمیت بیشتری پیدا می‌کنند، زیرا شدت اتهام و آثار احتمالی آن ضرورت برخورداری از دفاع قوی‌تر را افزایش می‌دهد.

تبصره ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری از مهم‌ترین نمونه‌های این تعارض است. محدود کردن انتخاب وکیل در برخی جرایم، حتی اگر با اهداف امنیتی یا ملاحظات مربوط به حفظ محرمانگی تحقیقات توجیه شود، نباید به تضعیف جوهره حق دفاع منجر گردد. اعتماد میان وکیل

و موکل عنصر اساسی دفاع مؤثر است و محدودیت انتخاب وکیل می‌تواند این اعتماد را تحت تأثیر قرار دهد. اصلاح این مقرره باید به‌گونه‌ای صورت گیرد که اصل آزادی انتخاب وکیل به رسمیت شناخته شود و در صورت وجود خطر واقعی، تنها محدودیت‌های موردی، موقت و مبتنی بر تصمیم مستدل قضایی قابل اعمال باشد.

همچنین لازم است مفهوم «دسترسی به وکیل» از سطح حضور صوری فراتر رود. وکیل باید زمان کافی برای مشاوره با متهم داشته باشد، امکان ملاقات محرمانه با موکل برای او فراهم باشد و بتواند به اطلاعات ضروری برای طراحی دفاع دسترسی پیدا کند. محدودیت در دسترسی به اوراق پرونده نیز باید به موارد استثنایی محدود شود و هر تصمیم در این زمینه مستدل، زمان‌مند و قابل اعتراض باشد. اصل باید بر دسترسی وکیل به اطلاعات مورد نیاز برای دفاع استوار باشد و محرمانگی تحقیقات تنها در مواردی بتواند این اصل را محدود کند که خطر مشخص و واقعی برای روند تحقیق وجود داشته باشد.

یکی دیگر از اصلاحات ضروری، تقویت ضمانت اجرای نقض حق وکیل است. اگر مقام تحقیق یا ضابط بتواند بدون پیامد جدی از فراهم کردن دسترسی متهم به وکیل خودداری کند، حق قانونی عملاً کارایی خود را از دست خواهد داد. نظام حقوقی باید میان نقض حق وکیل و اعتبار اقدامات تحقیقی ارتباط روشنی برقرار کند. در مواردی که اظهارات متهم بدون رعایت حق دسترسی به وکیل و در شرایطی اخذ شده باشد که آزادی اراده یا آگاهی وی محل تردید است، امکان استناد به چنین اظهاراتی باید به‌طور جدی محدود شود. پیش‌بینی ضمانت اجراهای روشن، علاوه بر حمایت از متهم، موجب افزایش نظم و اعتبار تحقیقات خواهد شد.

توسعه و بهبود وکالت تسخیری نیز از اهمیت بالایی برخوردار است. عدالت کیفری نباید میان متهمان متمکن و اشخاص فاقد توان مالی تفاوت اساسی ایجاد کند. حق وکیل تنها زمانی ماهیت عمومی و انسانی پیدا می‌کند که همه افراد، بدون توجه به وضعیت اقتصادی، بتوانند از دفاع حرفه‌ای بهره‌مند شوند. لازم است وکیل تسخیری در زمان مناسب تعیین شود، فرصت کافی برای مطالعه پرونده داشته باشد و از استقلال و امکانات لازم برای انجام وظیفه خود برخوردار باشد. صرف حضور اسمی وکیل در پرونده، بدون امکان دفاع واقعی، نمی‌تواند هدف قانون را تأمین کند.

در مورد متهمان آسیب‌پذیر نیز باید حمایت‌های ویژه‌ای در نظر گرفته شود. اطفال، اشخاص دارای ناتوانی ذهنی، افراد فاقد سواد کافی، بیگانگان و کسانی که زبان رسمی را به‌خوبی نمی‌دانند، بیش از سایرین در معرض خطر ناتوانی در استفاده از حقوق دفاعی هستند. برای این گروه‌ها، حضور وکیل باید در موارد بیشتری الزامی شود و امکان اسقاط حق وکیل نیز با محدودیت‌های بیشتری مواجه باشد. نظام عدالت کیفری باید میزان واقعی توانایی شخص در فهم موقعیت و دفاع از خود را در نظر بگیرد و حمایت حقوقی را متناسب با میزان آسیب‌پذیری او افزایش دهد.

از حیث تطبیقی، جهت مطلوب اصلاحات آن است که محدودیت‌های حق وکیل بر سه اصل ضرورت، تناسب و نظارت قضایی استوار شوند. هر محدودیتی باید برای پاسخ به یک خطر مشخص ضروری باشد، شدت آن با اهمیت هدف متناسب باشد و اجرای آن تحت نظارت مرجع مستقل قضایی قرار گیرد. محدودیت‌های کلی، طولانی‌مدت یا مبتنی بر دسته‌بندی گسترده جرایم، بیش از آنکه با منطق دادرسی منصفانه سازگار باشند، خطر تضعیف حقوق دفاعی را ایجاد می‌کنند. در مقابل، نظامی که اصل را بر دسترسی آزاد و فوری به وکیل قرار دهد و استثناها را به موارد خاص محدود کند، بهتر می‌تواند میان کارآمدی تحقیقات و حقوق متهم تعادل برقرار سازد.

در نهایت، می‌توان گفت قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ گامی مهم در جهت شناسایی و تقویت حق دسترسی به وکیل در تحقیقات مقدماتی برداشته است، اما این مسیر هنوز کامل نشده است. ظرفیت‌های قانون در زمینه شناسایی حق وکیل، حمایت از شخص تحت‌نظر و توجه به حقوق دفاعی باید حفظ و توسعه یابد، در حالی که محدودیت‌هایی مانند تبصره ماده ۴۸، ضعف ضمانت اجراها، محدودیت دسترسی به اطلاعات و کاستی‌های مربوط به محرمانگی و وکالت تسخیری نیازمند بازنگری هستند. معیار نهایی برای ارزیابی قانون باید این باشد که آیا متهم در عمل می‌تواند از وکیلی مستقل، مورد اعتماد و دارای امکان واقعی مداخله دفاعی بهره‌مند شود یا خیر. هرگاه پاسخ به این پرسش مثبت باشد، می‌توان از تحقق واقعی حق دسترسی مؤثر به وکیل سخن گفت؛ در غیر این صورت، حق مذکور صرفاً در سطحی صوری باقی خواهد ماند و قادر نخواهد بود نقش بنیادی خود را در تحقق عدالت کیفری ایفا کند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافعی وجود ندارد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

EXTENDED SUMMARY

The right to effective access to legal counsel during preliminary investigations constitutes one of the central guarantees of a fair criminal process because the earliest stages of criminal proceedings are precisely the stages in which the imbalance between the accused and the institutions of investigation is most pronounced. A person who has just been arrested, summoned, questioned, or formally accused is ordinarily placed in a legally and psychologically vulnerable position, while investigators, judicial officers, and law-enforcement authorities possess institutional power, legal expertise, procedural knowledge, and access to the evidentiary record. Under such circumstances, the formal recognition of a right to counsel is insufficient unless the accused is able to exercise that right in a timely, meaningful, and practically effective manner. Effective access therefore requires more than the abstract possibility of appointing a lawyer; it encompasses early access to legal advice, freedom to select counsel, confidential communication between lawyer and client, adequate opportunity for counsel to participate in important investigative acts, and access to sufficient information for the preparation of a defense. Hashemi emphasizes that legal representation must be understood as part of the broader architecture of criminal defense rather than as an optional procedural privilege (Hashemi, 2024). Similarly, Hariri situates access to counsel within the general principles of fair trial and procedural equality (Hariri, 2024). The issue is particularly significant in the context of Iran's 2013 Code of Criminal Procedure, which introduced important reforms intended to strengthen defense rights during preliminary investigations while simultaneously retaining certain statutory restrictions that may reduce the practical effectiveness of those rights. The central objective of this study is therefore to examine whether the 2013 Code provides merely formal access to lawyers or establishes a framework capable of ensuring genuinely effective legal assistance from the earliest stages of criminal proceedings.

The jurisprudential and legal foundations of the right to counsel support an interpretation that gives this right substantive rather than merely formal content. From the perspective of Shi'i jurisprudence, although the modern expression "effective access to legal counsel" does not appear in classical

terminology, the institution of agency, the prohibition of injustice, the necessity of protecting individual rights, and the principles of caution in matters affecting life, liberty, dignity, and reputation provide a normative basis for recognizing legal assistance in criminal proceedings. The institution of wakalah permits individuals to delegate matters requiring expertise to trusted representatives, and criminal defense is a field in which specialized legal knowledge may be decisive. Ahmadi explains that the lawyer–client relationship is grounded in trust, loyalty, and the duty to protect the client's legitimate interests (Ahmadi, 2015). From a legal perspective, this foundation is reinforced by the constitutional recognition of the right to counsel, the presumption of innocence, the right to defense, and the broader requirement of respect for human dignity. Salehi regards defense rights as an integrated set of procedural guarantees extending from notification of the accusation to the ability to obtain legal assistance and present an effective response to the prosecution (Salehi, 2023). Moradi likewise interprets fair trial guarantees as mechanisms designed to prevent the arbitrary exercise of criminal authority (Moradi, 2022). Effective access to counsel is therefore closely connected with the presumption of innocence, the right to silence, and equality of arms. An accused person cannot meaningfully decide whether to answer questions, remain silent, challenge investigative measures, or request exculpatory inquiries without understanding the legal consequences of those decisions. Nasiri accordingly emphasizes that defense rights become meaningful only when the accused possesses a genuine capacity to exercise them (Nasiri, 2016). On this basis, access to counsel should begin at the earliest point at which an individual is materially exposed to criminal accusation or coercive investigative authority.

The 2013 Code of Criminal Procedure contains several important capacities for strengthening legal representation during preliminary investigations. One of its principal achievements is the explicit movement toward recognizing defense guarantees during the pretrial stage rather than reserving them primarily for the courtroom. Saghian considers the 2013 Code a significant step toward strengthening the rights and freedoms of the accused during preliminary investigations (Saghian, 2013). The Code recognizes the accused's entitlement to be informed of relevant procedural rights and provides a clearer basis for access to legal counsel during investigation. Article 190 is particularly important because it recognizes the accused's right to have a lawyer present during preliminary investigations. This statutory recognition helps transform legal assistance from an exceptional privilege into an ordinary component of defense. Babaei and Afrasiabi had already stressed the importance of ensuring access to counsel at this stage because many decisive evidentiary developments occur before trial (Babaei & Afrasiabi, 2012). The Code also improves the legal position of persons held in custody by requiring greater attention to their rights and by reducing the conceptual separation between police custody and judicial proceedings. Mohseni highlights the importance of counsel during preliminary investigations as a mechanism for controlling the legality of investigative conduct and protecting the accused against procedural violations (Mohseni, 2021). The lawyer's presence may also improve the reliability of investigative evidence by reducing the risk of coercion, misunderstanding, inaccurate recording of statements, or unlawful questioning. Akbarian argues that counsel should play an active role in ensuring that preliminary investigations remain balanced and legally regulated (Akbarian, 2014). Moreover, the Code's recognition of court-appointed representation in serious cases supports the principle that access to professional defense should not depend entirely on the financial capacity of the accused.

Nevertheless, serious limitations remain within the existing legal framework, and these limitations create a distinction between formal entitlement and effective access. The most controversial restriction concerns the proviso to Article 48, which limits the accused's freedom to choose counsel

in certain categories of security-related and organized crimes. Freedom of choice is not merely a peripheral aspect of representation because the effectiveness of defense depends heavily on trust between the accused and counsel. Abbasi emphasizes that professional independence and the lawyer's autonomous position are essential to meaningful representation (Abbasi, 2024). Jalali similarly treats the independence of the legal profession as a substantive guarantee of citizens' ability to defend themselves against public authority (Jalali, 2013). Karimi further links the independence of lawyers to the broader structure of judicial independence and the legitimacy of the justice system (Karimi, 2022). When the range of lawyers available to an accused person is institutionally restricted, concerns arise not only about personal choice but also about confidence, independence, and the perception of impartiality. Another important limitation relates to access to case materials. Although confidentiality of investigations may justify temporary restrictions in narrowly defined circumstances, defense counsel must have access to sufficient information to understand the accusation and prepare a meaningful response. If counsel is present but lacks access to the evidentiary basis of the accusation, participation risks becoming symbolic rather than effective. Restrictions on counsel's ability to intervene during questioning may produce a similar effect. The lawyer should not obstruct legitimate investigative activity, but effective representation requires at least the possibility of objecting to unlawful questioning, coercive conduct, or procedural irregularities. Ranjbar emphasizes that the independence and confidentiality of legal representation are indispensable to the integrity of defense (Ranjbar, 2017). Effective access therefore requires a legal framework that allows counsel to participate meaningfully without undermining legitimate investigative objectives.

A comparative and rights-based evaluation further demonstrates that restrictions on access to counsel should remain exceptional, necessary, proportionate, and subject to judicial supervision. In contemporary fair-trial frameworks, the presumption is generally in favor of early legal assistance, while any limitation must be justified by a concrete and specific investigative need. Rostami connects legal representation in Iran's criminal justice system with broader human-rights guarantees and cautions against restrictions that undermine the substance of defense rights (Rostami, 2021). Hariri likewise emphasizes that limitations on fair-trial rights should be interpreted narrowly and should not destroy the essence of the protected right (Hariri, 2024). The comparative perspective also underscores the importance of confidentiality, because legal advice cannot be meaningful if the accused fears that conversations with counsel may be monitored or disclosed. Hassani associates legal representation with the practical requirements of fair trial and the institutional protection of defense rights (Hassani, 2015). Equal access for indigent defendants presents another major concern. Mohseni notes that court-appointed representation is effective only when appointed lawyers have adequate time, independence, and access to the case (Mohseni, 2013). Zarei identifies structural and practical challenges that may weaken court-appointed legal representation, particularly when appointment occurs late or when counsel lacks sufficient resources to prepare a defense (Zarei, 2019). Safari's human-rights perspective also supports heightened procedural safeguards for vulnerable defendants, including juveniles, persons with cognitive limitations, individuals unfamiliar with the legal system, and those lacking financial means (Safari, 2011). Accordingly, reform should focus on guaranteeing access to counsel before substantive questioning, protecting confidential lawyer–client communication, limiting restrictions on case-file access to narrowly tailored circumstances, strengthening the quality and timing of court-appointed representation, and providing effective remedies for violations of the right to counsel.

In conclusion, Iran's 2013 Code of Criminal Procedure represents an important advancement in the recognition of defense rights during preliminary investigations, particularly through its acceptance of the accused's right to legal assistance, its increased attention to the rights of persons in custody, and its broader incorporation of fair-trial principles into the pretrial stage. However, the existence of a statutory right does not by itself establish effective access. The decisive question is whether the accused can consult an independent and trusted lawyer at the appropriate time, communicate confidentially, receive sufficient information about the accusation, and benefit from meaningful professional participation during investigation. The current framework still contains significant tensions between the formal recognition of legal representation and statutory or practical restrictions that may weaken its substance. The limitation on freedom of choice in certain categories of offenses, uncertainty concerning the scope of access to case materials, possible restrictions on the lawyer's role during questioning, weaknesses in the system of court-appointed representation, and insufficiently clear remedies for violations remain areas requiring reform. A more coherent legal model should treat effective access to counsel as a continuous procedural guarantee beginning at the earliest stage of criminal accusation and continuing throughout the proceedings. Restrictions should be individualized, temporary, strictly necessary, proportionate, and subject to meaningful judicial review. The ultimate criterion should not be whether the law formally permits the presence of a lawyer, but whether the accused is genuinely capable of receiving independent, confidential, timely, and professionally adequate legal assistance. Strengthening these dimensions would simultaneously protect individual rights, improve the reliability of criminal investigations, reinforce public confidence in the justice system, and bring Iranian criminal procedure into closer alignment with the fundamental logic of fair trial.

References

Abbasi, H. (2024). *Legal representation and professional independence in Iranian law*. SAMT.

Ahmadi, M. (2015). *Principles governing the lawyer–client relationship*. SAMT.

Akbarian, S. (2014). *Legal representation in Iranian criminal procedure*. Mizan.

Babaei, M. A., & Afrasiabi, A. (2012). The accused's right to defense counsel during preliminary investigations. *Legal Teachings*(13).

Eslami, F. (2023). *Defense rights and the legal profession*. Mizan.

Hariri, M. (2024). Principles governing fair trial proceedings from the perspective of criminal procedure. *Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law*, *2*(2), 153-176.

Hashemi, S. (2024). *Legal representation and criminal defense mechanisms*. Mizan.

Hassani, A. (2015). *Legal representation and fair trial*. Mehr-e Edalat.

Jalali, A. (2013). *Independence of the legal profession: Foundations and challenges*. SAMT.

Karimi, M. (2022). *Judicial independence and the independence of the legal profession*. Jangal.

Mohseni, G. (2013). *Court-appointed legal representation and legal aid in Iran*. Mehr-e Hoghough.

Mohseni, M. (2021). *A legal examination of the right to counsel during preliminary investigations*. Nour-e Elm.

Moradi, A. (2022). *Fair trial and legal safeguards for the accused*. Dar al-Kotob.

Nasiri, V. (2016). *Defense rights and counsel in criminal law*. Astan.

Ranjbar, M. (2017). *Defense rights and the independence of the bar association*. Mehr-e Edalat.

Rostami, A. (2021). *Legal representation and human rights in Iran's criminal justice system*. Chatr-e Danesh.

Safari, R. (2011). *Legal representation and human rights*. Contemporary Law Publications.

Saghian, M. M. (2013). Strengthening the rights and freedoms of the accused during preliminary investigations under the Criminal Procedure Code enacted in 2013. *Criminal Law Research*, *2*(6), 113-136.

Salehi, R. (2023). *Criminal procedure and defense rights*. Mizan.

Zarei, B. (2019). *Court-appointed legal representation: Issues and challenges*. Mizan.